

کارگران بارانداز آمریکا، کارگران نفت ایران

علی جوادی

روزهای ۳۰ سپتامبر تا ۱۱ اکتبر، بیست و نه بندر سواحل غربی آمریکا از سندياگو تا سیاتل بدلیل اعتصاب کارگران بارانداز تصویری دیگر داشت. اقیانوس آرام در این نقاط شبیه پارکینگ‌های شلوغی بود که هر روز مترام تر میشد. کشتی‌های غول پیکر نقل و انتقال کالا در فواصل کوتاهی از یکدیگر در حاشیه ساحل لنگر گرفته بودند. کالایی تخلیه نمیشد. کشتی‌ای این بنادر را ترک نمیکرد. کانتینری بر قطار و کامیون و وسیله حمل و نقل دیگری قرار داده نمیشد. اما این فقط تصویر بنادر غربی آمریکا نبود. بنادر اصلی هنگ کنگ، تایوان، چین، و ژاپن نیز تحت تاثیر این اعتصاب تاحدودی در وضعیت مشابهی بودند. ده هزار و پانصد کارگر "اتحادیه کارگران بارانداز" آمریکا دست به اعتصاب زده بودند چرا که قرارداد دسته جمعی کارگران بارانداز در اول ژوئیه به اتمام رسیده بود و کارفرما از پذیرش خواستهای کارگران خودداری کرده بود و پنج ماه مذاکره بر سر مفاد قرارداد جدید بی ثمر بوده است.

کارشناسان اقتصاد بین الملل به تحلیل تاثیرات اقتصادی این اعتصاب پرداختند. آمریکا دارای بزرگترین بازار بین المللی کالاهای مصرفی است. بنادر غربی آمریکا یک گلوگاه مهم و یک شاه‌رگ حیاتی اقتصاد آمریکا هستند. بیش از نیمی از کالاهای وارداتی و صادراتی دریایی و ۳۰٪ کل تجارت آمریکا از این بنادر استفاده میکنند. میگویند این اعتصاب در ۵ روز اول، هر روز معادل ۱ میلیارد دلار خسارت و در ده روز، هر روز معادل ۲ میلیارد دلار خسارت وارد کرده است. میزان خسارات وارده هر روز بیشتر میشد و بخشهای مختلفی از حلقه‌های تولید و توزیع را در بر میگرفت. تم اصلی مباحثات محافل صنعتی و تجاری و مالی آمریکا و کشورهای آسیای جنوب شرقی پیرامون پیامدها، مدت، و چگونگی برخورد به این اعتصاب دور میزد: این اعتصاب تا کی ادامه پیدا خواهد کرد، خسارات ناشی از آن چه میزان خواهد بود، و چگونه میتوان با آن مقابله کرد؟ آیا میتوان از کانال پاناما برای انتقال کالاهای این کشتی‌های استفاده کرد؟ اما کانال پاناما ظرفیت چنین نقل و انتقالی و پذیرش چنین کشتی‌های عظیم اقیانوس پیما را ندارد. بنادر شرق آمریکا چطور؟ تکنولوژی بنادر شرقی آمریکا قادر به تخلیه کانتینرهای کشتی‌های عازم مقصد بنادر غربی نیست. بعلاوه از کجا معلوم که کارگران بنادر شرقی در همبستگی با کارگران اعتصابی دست به تخلیه این کشتی‌ها بزنند؟ حمل و نقل هوایی هم چاره نیست، چون کالاهای حجیم و سنگین را نمیتوان بسادگی و بطور "سود آوری" از طریق هوا منتقل کرد. تحت تاثیر این اعتصاب از سرعت حرکت چرخهای بخشهای کلیدی اقتصاد کاسته شد، بعنوان نمونه کارخانجات اتوموبیل سازی از تعداد شیفتهای کاری و ظرفیت تولیدی خود کم کردند.

بورژوازی آمریکا نگران و مضطرب است. دولت آمریکا سرگرم تدارک جنگی خانمانسوز علیه عراق با مساله‌ای نابهنگام "داخلی" مواجهه شده است. آیا اعتصاب کارگری تحرک ماشین نظامی آمریکا را دچار وقفه خواهد کرد؟ آیا این اعتصاب بحران اقتصادی آمریکا را عمیقتر خواهد کرد؟ آری فلاشر سخنگوی کاخ سفید "تهدید میکند":

این اعتصاب حتی در کوتاه مدت صدمات جدی‌ای به اقتصاد آمریکا وارد خواهد کرد. اما کارگران بارانداز خواهان تامین امنیت شغلی در اثر تغییر و تحولات تکنولوژیک در عرصه کاری خود هستند. گسترش کاربرد تکنولوژی در یک جامعه انسانی که رفاه انسانها هدف فعالیت اقتصادی است باعث فراغت و آسایش بیشتر و کم کردن ساعات کار است، اما در جامعه سرمایه داری به عامل بیکاری و محرومیت از امکان تامین معاش روزمره بدل میشود.

اتحادیه کارگران حاضر به امضای قرارداد پیشنهادی کارفرمایان کشتیرانی نشد. اتحادیه کارفرمایان هم قادر به استخدام نیروی اعتصاب شکن نیست. نیروی کارگران متحد و همبسته است. بناچار دولت بوش دخالت میکند. دمکرات و جمهوریخواه در مقابله با اعتصاب و کارگر متحد میشوند. از آنجا که همواره و در تمام قوانین کشورهای سرمایه داری برای "کنترل" اعتراض کارگر و دفاع از سود سرمایه ماده و تبصره و لایحه‌ای برای چنین روزهایی موجود است، دولت به لایحه تفت-هارتلی متوسل میشود. طبق این لایحه در شرایطی که "اقتصاد و امنیت کشور" در مخاطره است، رئیس جمهور اجازه دخالت پیدا میکند، دخالت البته به نفع سرمایه! دادگاه فدرال آمریکا حکم بازگشت به کار را تحویل کارگران میدهد. بر اساس این حکم کارگران ملزمند برای ۸۰ روز بمنظور "آزمایش اوضاع" تحت شرایط گذشته به کار ادامه دهند. کارگران به سرکار برمیگردند. اما خطر اعتصاب مجدد، هراس از فلج اقتصادی همچنان محافل متعدد سرمایه را در نگرانی نگهداشته است. تحریکات بورژوازی علیه کارگران از هم اکنون در حال گسترش است. این سوال روی سر سرمایه داران چرخ میزند که آیا کارگران مجددا دست به اعتصاب خواهند زد؟

اعتصاب بیش از ده هزار کارگر بارانداز یکبار دیگر یک واقعیت قدیمی و ساده را تاکید کرد: قدرت کارگر متشکل، قدرت اعتصاب و اتحاد کارگری، نقش و جایگاه کلیدی کارگر در جامعه و تولید اجتماعی و تحولات اجتماعی. بار دیگر معلوم شد که شعار قدیمی "اگر کارگران اراده کنند چرخها از حرکت باز می ایستند" یک کلیشه نیست، کهنه نیست. برعکس، واقعیت همیشگی و هر روزه این جهان سرمایه داری است. بعلاوه، تحولات بین المللی معاصر، گسترش حوزه نفوذ و حیظه کارکرد جهانی سرمایه، صد چندان حقانیت این واقعیت را اثبات کرده است. این مبارزه در عین حال یکبار دیگر، مثل همیشه، تاکید کرد که دولت بورژوازی صرفا یک تشکل و سازمان طبقه سرمایه دار است. این واقعیت مجددا تاکید شد که ارتش و پلیس و دادگاه و زندان و مجلس و پارلمان و رسانه‌ها صرفا ابزارهای طبقه سرمایه دار برای انقیاد روزمره طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش‌اند. دستگاهی برای اعمال زور علیه مردمند.

از یک جنبه میتوان جایگاه کارگران بارانداز آمریکا را با نقش کلیدی کارگران نفت در ساختار تولیدی و اقتصادی سرمایه داری ایران مقایسه کرد. اعتصاب و مبارزه کارگران نفت در سال ۵۷ با قطع شریان اقتصادی بورژوازی ایران، رژیم سلطنت را فلج کرد. ماشین نظامی رژیم و حکومت نظامی‌اش را که برای چنین شرایطی در رو در رویی با مردم آماده شده بود، زمین گیر کرد و گوشه‌ای از نیروی بالقوه و توان عینی طبقه کارگر را در تحولات سرنوشت ساز جامعه نشان داد. شعار "کارگر نفت ما، رهبر سر سخت ما" بازتاب این واقعیت در میان مردم بود. این بار نیز حضور همه جانبه و متحدانه کارگر نفت در صحنه تحولات اجتماعی ایران میتواند رژیم اسلامی را

بزانو در آورد. جامعه در انتظار دخالت سرنوشت ساز کارگران نفت است!